



رضا جمیلی / روزنامه نگار

او هر بار رد پای فرهنگ و روزمره ایرانی را در آثار هنرمندان تجسمی دنبال می کند

۸ + نقش فرهنگ بر بوم

روزها همه ما به دنبال لباس نو، موبایل نو، ماشین نو و... هستیم. هیچ کس به چیزهایی که از قبل داشته ایم توجهی نمی کند. مدام خانه قدیمی های شهر خراب می شوند و هی «نوسازی» و «نوسازی» و «نوسازی»... خانه هایی که از این روند نو شدن، جان سالم به در می برند و می مانند؛ حداقل برای من نماد و یادآوری آدم هایی هستند که در این شهر بوده اند و زندگی کرده اند.

سابقه شهر و آدم هایش

من از خانه ها و ساختمان هایی که از این تغییر در امان مانده اند حس خاصی می گیرم. این ساختمان ها هر کدام چیزهای زیادی را به خود جذب کرده اند؛

از حضور آدم های مختلفی که نسل ها در آنها زندگی کرده اند، تا اتفاقاتی که درون یا اطراف آنها افتاده است. قدمتی که دارند کمک می کند که حس کنیم ما با نسل گذشته خود وجه مشترک و پیوندی داریم. سابقه ای هست؛ ما سابقه و تاریخی داریم! نکته جالب اینکه بازدیدکنندگان در نمایشگاه من مدام در مورد این صحبت می کردند که فلان ساختمان که کشیده ام شبیه خانه قدیمی پدر بزرگ شان است یا مثلاً می گفتند این در شبیه در خانه فلانی است. یعنی این آثار تداعی هایی هم برای بازدیدکنندگان داشت و فکر هر کسی به شکلی با این ساختمان ها درگیر می شد. جدا از این تداعی های فردی؛ در نهایت این ساختمان ها و آثاری که از آنها کشیده یا چاپ می شوند یادآور یک حافظه جمعی هستند که متعلق به همه ماست. همین موضوع باعث شد که مجموعه های دیگری را با موضوع معماری و هویت ساختمان ها و با محوریت مناطقی مثل لاله زار و جمهوری و عودلاجان و... آماده کنم.

فردیت های ایرانی که به یک ما می رسند

نکته این است که ما نمی توانیم خودمان یا دیگران را به زور به یک هویت یا تاریخ یا گذشته بچسبانیم. اثر هنری باید یک ارتباط با مخاطبش برقرار کند. اثر هنری، یا تزئینی است یا شعاری، یا حرفی درست دارد که آن را درشت و رو نمی زند. من و آثارم تلاش کرده ایم یک ارتباط به دور از شعار یا تحمیل یک مفهوم، با مخاطب برقرار کنیم. معتمد زمانه «حرکت جمعی هنری» یا «هنر فراگیر یک دوران»، مثل هنر متعهد ابتدای انقلاب تمام شده؛ هنر خیلی شخصی

شده و هر کسی در حال کشیدن دنیای شخصی خودش است. این دوره یک دوره پست مدرن است که هر کسی تأثیری را که از جامعه، رخدادهای جهانی، تحولات شبکه های اجتماعی و... می گیرد، در نهایت روی بومش بازتاب می دهد.

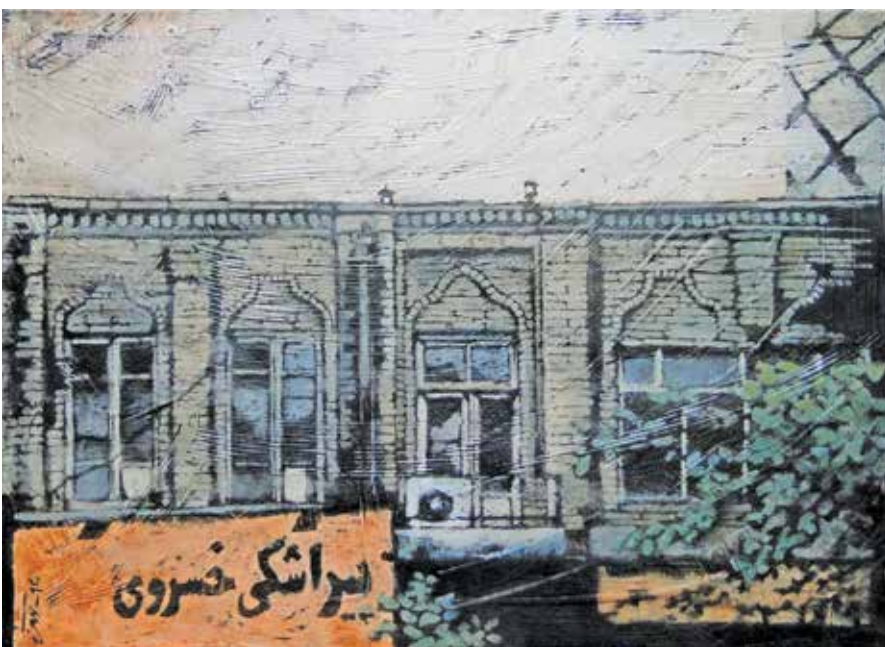
مسئله حافظه ما

برای من حافظه همیشه مسئله مهمی بوده است. معماری شهری هم از منظر همین مسئله برای من مهم شد. من ۱۰ سال گذشته روی این سوزه کار کرده ام و کشیده ام و چاپ کرده ام. اما من توی نقاشی هایم آدم نمی کشم، حضور آدم ها اما در این نقاشی ها احساس می شود. این ساختمان ها شاهد رد شدن و حضور هزاران آدم بوده اند و فکر می کنم رد آنها یا حس آنها توی این کارها است.

مرجان نعمتی، نقاش و هنرمند چاپ دستی، در شهر چه می بیند و می کشد؟

حافظه جمعی مان را چاپ می کنم!

مرجان نعمتی نقاشی خوانده و تصویرسازی. در ۱۰ سال گذشته از ساختمان های قدیمی تهران نقاشی کشیده و با تکنیک هایی چون لیتولوم آنها را چاپ کرده. دغدغه اش حافظه جمعی و معماری شهری است. ردیابی گذشته و سابقه در سیمای شهر. این متن از دل یک گفت و گوی یک ساعته با او بیرون کشیده شده.



شما وقتی لیوانی را پر از آب می کنید دیگر قطره نخواهید دید. بلکه یک لیوان یکبارچه آب می بینید. من خودم را جزئی از یک کل که جامعه است می بینم. هر اتفاقی که در این کل واحد بیفتد بی شک روی کار من هم تأثیر خواهد گذاشت. ممکن است به برخی از این اتفاق ها حساس تر باشم و به برخی های دیگر کم تفاوت. در دوره های مختلف کاری ام که به بن بست های دوره ای معمول هنرمندان برمی خورم، یعنی همان بن بست های ذهنی که شما را متوقف می کند؛ راهکارم شروع کردن یک کار تازه است. بدون اینکه برنامه خاصی یا نتیجه خاصی برای آن در ذهن داشته باشم، اینقدر کار می کنم تا برسد به جایی که آن کار یک شکل مشخص به خودش بگیرد. مجموعه کارهای چاپی من از معماری خانه های قدیمی و ساختمان های از یادرفته تهران هم اینجوری شروع شد.

خانه ها و قصه های آدم ها

این پروژه را از دوروبر خانه خودمان که خانه پدر بزرگ من بوده و یک خانه قدیمی است شروع کردم. کم کم ساختمان هایی با چنین مشخصاتی برای من دارای هویت شدند. آنها را به اسم می شناختم. مثلاً می گفتم «فلان خانه نبش خیابان سعدی»، «خانه نزدیک دانشگاه»، «ساختمانی که در تاکسی در مسیر فلان جا می بینم» و... یعنی مسیرها و لوکیشن ها برای من با این ساختمان ها نشانه دار شدند. خانه هایی با معماری پهلوی اول؛ نمادهایی بودند که هزار داستان برای من داشتند. پیشینه ای که این ساختمان ها داشتند آن هم در زمانه ای که همه به دنبال نوگرایی و نو کردن همه چیز هستند برای من جذاب شد. این

